

# برائت، اعلام بیزاری قاطع از مشرکان در مراسم حج سال نهم هجرت<sup>۱</sup>

----- امیرعلی حسنلو<sup>۲</sup>

برائت از ریشه «ب-ر-ء» است، و برء در لغت دو اصل معنایی دارد: خلق کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۱) و دورشدن از چیزی که مجاورت آن ناپسند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۲۱).

برائت، رویدادی تاریخی است که در سال نهم هجرت با نزول آیات نخستین سوره برائت (توبه) رخ داد و طی آن پیامبر ﷺ از جانب خداوند مأمور شد که خودش یا فردی همانند خودش، بیزاری از معاهده با مشرکان را در شهر مکه و موسم حج اکبر به آنان اعلام کند (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۴۳). خداوند در برخی آیات، مانند آیه ۱۸ سوره یونس و آیه ۳۱ سوره توبه، ضمن مبرادانستن خود از آنچه مشرکان به ذات او نسبت می دهند، از رفتار آنان تبری جسته است (ر.ک: حقی بروسوی، بی تا، ج ۴، ص ۲۶؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۰، ص ۷۲). این امر پیشینه‌ای طولانی دارد و پیامبران پیشین نیز از رفتار آنان تبری جسته‌اند، از جمله حضرت نوح علیه السلام که از اعمال و رفتار کافران به خداوند پناه برد و از آنها بیزاری جست (هود: ۳۵)، حضرت هود علیه السلام که از رفتار شرک‌آلود مشرکان اظهار برائت کرد (هود: ۵۴)،

---

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری است. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.  
۲. استاد حوزه و مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه؛

(hasanloo8746@gmail.com).

حضرت ابراهیم علیه السلام که از اعمال مشرکانه قوم خود تبری جست (انعام: ۷۸؛ زخرف: ۲۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹، ص ۴۹۶)، و حضرت یوسف علیه السلام که در زندان برائت خود را از مشرکان و کافران اعلان کرد (یوسف: ۳۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۳۱۳). قرآن کریم همچنین اظهار برائت حضرت عیسی علیه السلام را از رفتار شرک آمیز بنی اسرائیل گزارش کرده است (مائده: ۱۱۶).

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز قبل از هجرت در مراحل آغازین دعوت به اسلام (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۶۴) و پس از هجرت و قبل از نزول سوره برائت، با اظهار برائت عملی و قولی از اعمال شرک آلود مشرکان، آنان را به توحید دعوت می کرد (شعراء: ۲۱۶؛ انعام: ۱۹). اعراض از مشرکان (انعام: ۱۰۶؛ حجر: ۹۴) و دوری از آنان (یونس: ۱۰۵؛ قصص: ۸۷؛ روم: ۳۱) در آیات دیگر نیز دیده می شود؛ از این رو آیات ابتدایی سوره برائت احکام و اصولی را اعلام، و با مشرکان اتمام حجت کرد و به آنها چهار ماه مهلت داد که به شرک ورزی و کفرورزی و رفتارهای مشرکانه شان پایان دهند (ر.ک: توبه: ۱-۱۰).

منابع حدیثی ذیل گزارش نزول سوره برائت به این رویداد پرداخته اند. در این گزارش ها آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد ابوبکر از این مأموریت بازگردد و امیر مؤمنان علی علیه السلام آن را انجام دهد (ابن طاووس، ۱۳۹۹، ص ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۳۰۷؛ قندوزی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۶۱). مفسران متقدم چون ابو حمزه ثمالی (۱۴۲۰، ص ۱۸۸)، حبری کوفی (۱۴۰۸، ص ۴۵۶)، فرات کوفی (۱۴۱۰، ص ۱۵۸)، ابن ابی حاتم (۱۴۱۹، ج ۶، ص ۱۷۴۵)، سمرقندی (بی تا، ج ۲، ص ۳۷) و شیخ طوسی (بی تا، ج ۵، ص ۱۶۷) نیز ذیل تفسیر این سوره، رویدادهای تاریخی مربوط به برائت را بیان کرده اند. همچنین مورخان از جمله ابن هشام (۱۳۳۸، ج ۲، ص ۵۴۳) و ابن سعد (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۸) بحث های مختلفی درباره ابلاغ برائت و نزول آیات سوره برائت مطرح نموده اند. برخی مورخان، جانبدارانه به موضوع پرداخته و گزارش های مربوط به واگذاری مأموریت به امیر مؤمنان علی علیه السلام را تضعیف، و گزارش های مقابل را تقویت کرده اند (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۶-۳۹).

مقاله «برائت» در موسوعة الفقه الاسلامی به مباحث فقهی برائت از مشرکان پرداخته است (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۲۰، ص ۲۰۹-۲۱۵). مقاله های «پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و برائت از کفار و مشرکین» از محمدعلی رضایی و «اعلام برائت در تاریخ انبیاء صلی الله علیه و آله» از علی مختاری نیز

در این باره نوشته شده‌اند، هر چند اثر مستقلی با نگاه قرآنی دربارهٔ برائت یافت نشد. مقاله «برائت» در دائرةالمعارف قرآن لایدن نیز ضمن اشاره به وجود سوره‌ای با این نام، دربارهٔ برائت پیامبر ﷺ از مشرکان سخن گفته است (See: El-Cheikh, vol2, pp504-505).

### زمینه‌ها و عوامل نزول سورهٔ برائت

هنگام نزول این سوره، حدود بیست سال بود که پیامبر ﷺ موضع اسلام دربارهٔ شرک و مشرکان را اعلام می‌کرد و بیشتر مردم حجاز از این منطق اسلام دربارهٔ بت‌ها و بت‌پرستان آگاهی داشتند (← مقاله دعوت پیامبر ﷺ). گروهی از آنان برای مقابله با این منطق، به جنگ با پیامبر ﷺ و مسلمانان برخاسته بودند (← مقاله جنگ‌های پیامبر ﷺ) و گروهی با وجدان بیدار و دلی روشن از قبایل مختلف از اطراف مدینه و دیگر مناطق، از بت‌پرستی به توحید و یکتاپرستی گرویده و دعوت پیامبر ﷺ را لیبک گفته بودند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۲۱۵). به‌ویژه پس از صلح پیامبر ﷺ با اهل مکه (← مقاله صلح حدیبیه) و تبلیغ آزادانهٔ اسلام، بسیاری از مردم بت‌ها را شکستند (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۶) و ندای توحید در حجاز طنین‌انداز شد. این همان فتح بزرگ الهی بود که خداوند در سورهٔ فتح به مسلمانان وعده داده بود «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (فتح: ۱؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۳۹۹).

در سال نهم هجرت پس از فتح مکه (← مقاله فتح مکه) استقبال قبایل مختلف از اسلام به حدی بود که آن سال را «سنة الوفود»، یعنی سال گروه‌ها نامیدند (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۵۹). در آن سال مردم برای شناخت اسلام و پیامبر ﷺ به شهر مدینه روی آوردند و اسلام را پذیرفتند. نزول سورهٔ نصر بشارت می‌داد که مردم فوج فوج به دین روی می‌آورند «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر: ۲؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۲۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۷۷). اهل مکه و طائف و یمن از جملهٔ این گروه‌ها (← مقاله حنین) بودند که مسلمان شدند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۴۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۸۷). در این سال، افزون بر مردم حجاز، از دیگر ملت‌ها نیز به اسلام گرویدند و زمینهٔ گسترش اسلام در جهان فراهم شد (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۶۰)، اما گروهی متعصب که رهاکردن عادات دیرینهٔ جاهلی برایشان دشوار بود، از عادات زشت خود دست برنمی‌داشتند و همچنان از خرافات جاهلی پیروی می‌کردند (ابن عاشور، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۱).

در این سال پیامبر ﷺ قصد شرکت در مناسک حج را نداشت (فوات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۶۱)؛

خطیب، بی تا، ج ۵، ص ۶۹۸)، اما مسلمانان و مشرکان در مکه حضور یافتند و هرکدام بر آیین خود، حج گزاردند (خطیب، بی تا، ج ۵، ص ۶۹۸). گرچه در جریان فتح مکه، بت‌ها از کعبه جمع آوری شده بود (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۲۷؛ ← مقاله فتح مکه) و مشرکان نمی توانستند به آنها توسل و تمسک کنند، رسم‌های دیگر جاهلی مانند طواف عریان هنوز برقرار بود (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۵). به باور برخی، آیه ۳۱ سوره اعراف «یا بنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» برای نهی از این عمل نازل شد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹؛ ابن‌العربی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳۴)؛ از این‌رو زمان آن فرارسیده بود که پیامبر ﷺ هر نوع مظهر شرک و بت‌پرستی را با اقتدار درهم کوبد و بیزاری خدا و رسولش را در سرزمین منا و در اجتماع بزرگ مراسم عید قربان که مردم از همه نقاط حجاز در آن گرد می‌آمدند، اعلان کند. آیات ابتدایی سوره برلنت برای اعلان قاطع این موضع نازل شد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۴۶؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۹۲).

شهر مکه و موسم حج، برای اعلان و اجرای این تصمیم، محل مناسبی بود. این فرمان‌ها، بر اساس مضمون آیات نخست سوره براءت، به صورت چند اصل و ضابطه برای مبارزه با شرک و نفاق مقرر گردید (توبه: ۳) و به همه اعراب و مشرکان مکه و پیرامون آن اعلام شد. با نزول این سوره، هرگونه پیمان میان پیامبر ﷺ و مشرکان و قبایل اطراف مکه لغو شد (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۴۳) و مشرکان چهار ماه (از عید قربان تا دهم ربیع‌الاول)، که «شهورالعهد» نام گرفت (ابوریحان بیرونی، ۱۴۲۲، ص ۴۱۹؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۳۷)، مهلت یافتند تا به رفتارهای جاهلان‌شان در کنار کعبه پایان دهند و مسلمان شوند.

### مأموریت اولیه ابلاغ

بنا بر گزارش مفسران، زمانی که ده آیه نخست سوره برلنت (ابن‌کثیر، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۹۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰۹) یا به روایتی سیزده آیه نخست این سوره نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷)، پیامبر ﷺ ابوبکر را برای خواندن آن آیات در مکه مأمور کرد. پس از حرکت وی، خداوند با فرستادن جبرئیل، پیامبر ﷺ را مأمور کرد که خود یا یکی از اهلس این مأموریت را انجام دهد. بر این اساس، امیر مؤمنان ﷺ مأمور ابلاغ براءت شد و سوار بر ناقه مخصوص پیامبر ﷺ برای گرفتن حکم از ابوبکر حرکت کرد و در جُحْفَه (محل میقات اهل شام) (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۲،

ص ۱۱۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۸) یا در ذی الحلیفه (ابوالفتح رازی، ۹، ص ۱۶۹؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۲۶۶؛ حویزی، ۲، ص ۱۷۷) و بنا به قولی در عَرَج (محلی در نزدیکی مدینه) (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۸؛ بکری اندلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۹۳۰؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۱۶) یا روحاء در ۷۴ کیلومتری مدینه (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۲۰؛ شراب، ۱۴۱۱، ص ۱۳۱) به او رسید و نامه را از وی گرفت (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۷۷).

ابوبکر به مدینه بازگشت (ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۸؛ ص ۳۵۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۲۲)، و طبق گزارش دیگری به مدینه برگشت (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۴۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰۹). طبق این گزارش، مورخان، محدثان و اهل تفسیر درباره استمرار امارت حج اختلاف نظر دارند. بر اساس دیدگاه مشهور نزد شیعه، پیامبر ﷺ امیر مؤمنان را افزون بر ابلاغ برائت، بر امارت حاجیان نیز منصوب کرد (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۲۰) و علی ﷺ وقتی به ابوبکر رسید و حکم را گرفت، او را بین برگشتن به مدینه و همراهی با خود مخیر کرد که ابوبکر برگشتن را برگزید (مفید، ۱، ص ۶۵). لذا ابوبکر که از این واقعه نگران شده بود، با اضطراب به مدینه برگشت و درباره آنچه واقع شده بود، از پیامبر ﷺ سؤال کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۳۸). بنا بر روایتی از امام باقر ﷺ، پیامبر ﷺ هرگز ابوبکر را برای اعلان برائت نفرستاد، بلکه او امیرالحاج بود و با فرود آمدن وحی و مأموریت یافتن علی ﷺ، این منصب او نیز به امیر مؤمنان واگذار شد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۴). برخی نیز بر این باورند که علی ﷺ تنها مأمور بود حکم برائت را بر مردم بخواند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۳۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۶۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۷۰). عده‌ای هم برای اثبات فضیلت ابوبکر، او را امیرالحاج و امیر مؤمنان ﷺ را تحت امارت او مأمور به قرائت این حکم دانسته‌اند (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۹۳؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۶). برخی با استناد به این گفته خواسته‌اند امامت ابوبکر و رجحان او در خلافت را اثبات کنند، با این توضیح که علی ﷺ فرستاده شده بود تا تحت فرمان و امارت ابوبکر مأموریت خود را انجام دهد و امامت نماز هم با ابوبکر بود. لذا هدف از

تغییر حکم این بود که برتری و امامت ابوبکر برای همه روشن شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۵۲۴؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۳۵). این گفته‌ها با گزارش‌های دیگر منابع اهل سنت متناقض است، چنان‌که در صحاح اهل سنت آمده است پیامبر ﷺ ابوبکر را مأمور ابلاغ برائت کرد و سپس او را فرا خوند و برگرداند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۳؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۳۹؛ نسائی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۲۹).

نکته در خور توجه این رویداد تاریخی، اهمیت ابلاغ این پیام الهی توسط شخصیتی تعیین شده از سوی خداوند بود که موجب شد پیامبر ﷺ به سرعت علی ﷺ را در پی فرستاده پیشین خود گسیل دارد (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۴۵). امیرمؤمنان ﷺ روز دهم ذی حجه در منابالای جمرة عقبه، با صدایی رسا آیات برائت را قرائت کرد (ر.ک: فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۵۸-۱۶۳؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۴) و از همان سال، مشرکان برای همیشه از ورود به مسجدالحرام منع شدند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۲).

### علت عزل ابوبکر

اغلب گزارش‌ها، علت لغو مأموریت ابوبکر و سپردن آن به امیرمؤمنان ﷺ را ابلاغ جبرئیل دانسته‌اند (مقتل بن سلیمان، ۵، ص ۲۴۹؛ احمد بن حنبل، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۶۲، ۶۴۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۵۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۸؛ ۷، ص ۳۵۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۱۰) و برخی آن را مورد اجماع مفسران شمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۲۶۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹، ص ۱۹۲). مخالفان این فضیلت برای حضرت علی ﷺ مدعی‌اند این اعلامیه متضمن شکستن عهد بود، و طبق سنن قبیله‌ای، می‌باید خود پیامبر ﷺ یا یکی از خویشان نزدیکش آن را می‌خواند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۵۴۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۷). در پاسخ به این نظر گفته‌اند چگونه پیامبر ﷺ از این سنت بی‌خبر بوده است؟! از طرف دیگر ضوابط و آداب عشیرگی جاهلی مورد تأیید دین اسلام نبوده تا بتوان به این رسم جاهلی تمسک جست (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۷۰). افزون بر این، اگر دستور پیامبر ﷺ بر اساس رسوم عرب جاهلی بود، دلیلی نداشت که وی در پاسخ به ابوبکر آن را به وحی مستند کند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۲؛ سبب ابن جوزی، ۴۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰۹)؛ از این رو انتساب به جبرئیل و وحی خود گویای

ابطال استدلال آنها و اثبات این نکته است که این ابلاغ را باید کسی انجام می داد که هم شأن و در رتبه پیامبر ﷺ باشد (ر.ک: فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۴۳-۳۴۷).

### مفاد و فرمان های آیات براءت

در این رویداد بزرگ تاریخ اسلام، جریان توحید با اقتدار خاص در برابر شرک اعلام موضع کرد تا فلسفه و جایگاه نبوت برای همگان روشن شود. خداوند در این اعلامیه توحیدی، احکام و اصولی را اعلام کرد:

۱. در آیات نخست سوره توبه، براءت خدا و رسول از مشرکان اعلام شد و به مشرکان چهار ماه مهلت داده شد تا توبه کنند (توبه: ۱-۳؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۹-۱۰).

۲. با نزول سوره براءت، از مشرکان مکه سلب امنیت شد، زیرا این سوره بدون ذکر «بسم الله الرحمن الرحیم»، که نشانه امان و رحمت بود، نازل شد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۵۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰۹) و چهار ماه به همه مشرکان مکه و اطراف آن فرصت داده شد تا درباره پذیرش دین، یا نپذیرفتن آن و تحمل پیامدهایش و ذلتی که در انتظارشان بود، تصمیم بگیرند «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ» (توبه: ۲؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۷۰؛ ر.ک: حجازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۸۵۵). عهدنامه مشرکان با پیامبر ﷺ تا پایان این مدت اعتبار داشت (ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۷-۳۸) و پس از آن باید موضع خود را روشن می کردند و در صورت لجاجت و عناد با برخورد سخت مسلمانان روبه رو می شدند «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ» (توبه: ۵).

البته پیش از این نیز اذن جنگ با مشرکان تا رفع فتنه شرک صادر شده بود «اقْتُلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره: ۱۹۳). بر اساس برخی روایات (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۳؛ ج ۴، ص ۸۳۴) و نظر برخی مفسران، منظور از فتنه، شرک به خداوند است (سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۸؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۷). این آیه در آغاز هجرت و هنگامی نازل شد که مؤمنان در عقبه با پیامبر ﷺ بیعت کردند که تا محو شرک با مشرکان مکه مبارزه کنند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۶۹). در سوره انفال نیز همین مضمون تکرار شده (انفال: ۳۹) و خداوند برای محو شرک از مکه اجازه جنگ داده است (سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۰۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۹۹)، اما پس

- از آن در سوره توبه به مسلمانان دستور داده شد که جهاد را تا محو کامل شرک ادامه دهند (توبه: ۵).
۳. خداوند به مسلمانان دستور داد که پس از پایان ماه‌های حرام هر جا مشرکان را یافتند، آنها را بکشند و اسیر کنند، جز کسانی که توبه کنند (توبه: ۵). مهلت چهارماهه به مشرکان برای تفکر و آزادی در انتخاب آگاهانه بود، چنان‌که امان و فرصت دادن به مشرکان برای شنیدن کلام الهی بر اساس همین ضابطه بود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۶۶).
۴. اعلام شد که از سال آینده هیچ مشرکی حق شرکت در اعمال حج و ورود به مسجدالحرام را ندارد. همچنین نجس بودن مشرکان به صراحت اعلام شد تا حکمت ممنوع بودن ورودشان به مسجدالحرام روشن شود «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَاهِهِمْ هَذَا» (توبه: ۲۸).
۵. ابلاغ شد که هیچ‌کس حق ندارد به صورت عریان طواف کند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۷۸؛ ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۴۶).
۶. به پیامبر ﷺ دستور داده شد در صورت پناه خواستن مشرکان برای شنیدن کلام خداوند به آنها پناه دهد تا فرصت اندیشیدن و ایمان از آنان گرفته نشود «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (توبه: ۶؛ ر.ک: شافعی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۶۴).
۷. امر به جهاد با مشرکان مکه پس از پایان مهلت چهارماهه در این آیات به صراحت اعلام شد. این دسته از مشرکان عبارت بودند از کسانی که عهدشکنی کردند و پیامبر ﷺ و مسلمانان را از مکه بیرون راندند (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۴۶) «أَلَا تَتَذَكَّرُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَ اللَّهَ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۳)؛ پیمان‌شکنان و کسانی که مانع دعوت بودند «قَاتِلُوهُمْ يَعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزِهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ \* وَيَذْهَبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ» (توبه: ۱۴-۱۵)؛ کسانی که حاضر نشدند به خدا و قیامت ایمان بیاورند «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه: ۲۹)؛ و عموم اهل شرک «وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه: ۳۶؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۳-۴۴).

## نتایج و آثار

اعلان براءت از مشرکان آثار فراوانی در پی داشت که مهم‌ترین آنها فزونی اقتدار سیاسی و مادی

و معنوی پیامبر ﷺ و تبلور بیش از پیش اعجاز اسلام برای اهل حجاز بود. این امر موجب شد (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۵۹) همه قریش (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۲۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۹۴) و حتی بسیاری از اعراب بادیه نشین (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۸۰) به پذیرش اسلام روی آوردند. مشرکان مکه پس از برگشت از حج طی چهار ماه همدیگر را ملامت کردند و در نهایت بیشتر آنان ایمان آوردند و دست از خصومت برداشتند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۲۳).

با اعلان این فرمان‌ها زمینه برچیده شدن شرك از حجاز و به تدریج از همه جزیره العرب فراهم شد و پیامبر ﷺ فرصت یافت تا مبلغان خود را برای تعلیم احکام اولیه اسلام به مناطق مختلف گسیل دارد (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۵۹-۵۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۵). در این میان، وفود (هیئت‌های نمایندگی) و رؤسای قبایل نیز برای قبول اسلام به مدینه و به محضر پیامبر ﷺ آمدند، مانند وفدهای مُزَینه (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲)، اَسَد (ابن اثیر جزری، ۲، ص ۴۷۷)، تمیم (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۶۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۱۵)، سعد بن بکر (ابن هشام، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۷۳)، عَبَس، فَزَارَه، مَرَه، ثَعْلَبَه، مَحَارِب، و بَنی کِلَاب. به همین سبب این سال به سنة الوفود معروف شد. شمار این وفدها را بیش از شصت گزارش کرده‌اند (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۲-۲۶۹).

## منابع و مأخذ

١. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ١٤١٩ق.
٢. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر، ١٤٠٩ق.
٣. ابن العربی، محمد بن عبد الله، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
٤. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی، ١٤٢٢ق.
٥. \_\_\_\_\_، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، تحقیق: محمد عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٢ق.
٦. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٠ق.
٧. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه، ١٣٧٩ش.
٨. ابن طاووس، سید علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: مطبعة الخيام، ١٣٩٩ق.
٩. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر (تفسیر ابن عاشور تونس)، مؤسسة التاریخ، بی تا.
١٠. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٤ق.
١١. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، بیروت: دار الفکر، ١٤٠٧ق.
١٢. \_\_\_\_\_، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٩ق.
١٣. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ١٤٠٥ق.
١٤. ابن هشام، عبدالملک حمیری، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفى سقا و دیگران، بیروت: دار المعرفة.
١٥. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: یاحقی، ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ١٤٠٨ق.
١٦. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر ابو حمزه ثمالی)، گردآوری: محمد حسین حرزالدین، تحقیق: محمد هادی معرفت، بیروت: دار المفید، ١٤٢٠ق.
١٧. ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة، تهران: نشر میراث مکتوب، ١٤٢٢ق.
١٨. احمد بن حنبل، شیانی، فضائل الصحابة، تحقیق: وصی الله محمد عباس، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ق؛
١٩. \_\_\_\_\_، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر، بی تا.
٢٠. بحرانی، سید هاشم حسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ١٤١٦ق.
٢١. بغدادی، علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٥ق.
٢٢. بکری اندلسی، عبدالله بن عبدالعزیز، معجم ما استعجم من اسماء البلاد والمواضع، تحقیق: مصطفى سقا، بیروت: عالم الکتب، ١٤٠٣ق.

۲۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۲۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۵. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۲۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۲۷. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان فی تفسیر القرآن، ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۲۸. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۹. حبری کوفی، حسین بن حکم، تفسیر الحبری، بیروت: مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۳۰. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۳ق.
۳۱. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور التقلین، تحقیق: رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۳۳. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، قاهره: دارالفکر العربی، بی تا.
۳۴. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۶. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۹ق.
۳۷. سبط ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین، تذکرة الخواص، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
۳۸. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم (تفسیر سمرقندی)، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۰. شافعی، محمد بن ادیس، احکام القرآن، تحقیق: عبدالغنی عبدالخالق، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ق.
۴۱. شراب، محمد محمد حسن، المعالم الاثیرة فی السنة و السیره، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۱ق.
۴۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۴۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق: ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷ش.
۴۵. \_\_\_\_\_، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق؛
۴۷. \_\_\_\_\_، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.

٤٨. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
٤٩. عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ١٣٨٠ق.
٥٠. فخر رازی، محمدبن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠ق.
٥١. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٤١٠ق.
٥٢. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق: مهدی مخزومی، قم: مؤسسه دارالهجرة، ١٤١٠ق.
٥٣. فیروزآبادی، سیدمرتضی حسینی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٩٢ق.
٥٤. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات صدر، ١٤١٥ق.
٥٥. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٥٦. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ١٤٠٤ق.
٥٧. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده لذوی القربی، تحقیق: جمال اشرف حسینی، دارالاسوة، ١٤٢٣ق.
٥٨. متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤٠٩ق.
٥٩. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٣ق.
٦٠. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٤٢٤ق.
٦١. مفید، محمدبن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، تحقیق التراث، بیروت: دارالمفید، ١٤١٣ق.
٦٢. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٣ق.
٦٣. مقریزی، احمدبن علی، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، تحقیق: محمد نمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٢٠ق.
٦٤. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧٤ش.
٦٥. نسائی، احمدبن شعیب، السنن الکبری، تحقیق: سلیمان بنداری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١١ق.
٦٦. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١١ق.
٦٧. واقدی، محمدبن عمر، المغازی، تحقیق: مارسلن جونس، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ١٤٠٩ق.
٦٨. هاشمی شاهرودی، سید محمود، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه الاسلامی، ١٤٢٣ق.
٦٩. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٣٩٩ق.
70. El-Cheikh, Nadia Maria, "Immunity", Encyclopaedia of the Qur'ān, Ed. Jane Dammen McAuliffe, 5 Vols., Leiden: Brill, 2001-2006.